



قرآن همراه انسان کامل

سخنرانی آیت الله جوادی آملی

این نیست که هر دو، یک راه را طی کنند، نظیر دو اتومبیل که در یک اتوبان حرکت می کنند، بلکه اگر صراط مستقیم و راه معنوی است هر دو در این راهند. لذا اگر در قرآن کریم مطلبی باشد که انسان کامل آن را نداند یا به آن عمل نکرده و به آن متخلق نباشد و همچنین در انسان کامل یک حقیقتی باشد که قرآن آن را در بر نداشته باشد، این اولین درجه اختلاف است. در حالی که رسول گرامی (ص) در حدیث ثقلین،^۱ به نفی تأکید، اینها را از هم جدا نمی داند.

انسان کامل اگر بخواهد به صورت کتاب در بیاید می شود قرآن، و اگر قرآن بخواهد به صورت انسان متجلی گردد، می شود پیامبر (ص)، امام صادق و سایر ائمه (ع). این یک حقیقت است که گاهی به صورت «ثقل اکبر» و گاهی به صورت «ثقل اصغر» درآمده است. همان طور که چهارده معصوم (ع) یک نورند لذا وقتی به آن مقام رسیدیم می بینیم این دو ثقل هم یک نورند. خداوند در بخشی از آیات قرآن کریم، از وجود مبارک رسول گرامی (ص) به عنوان «ذکر» یاد کرده است:

... قد أنزل الله إليك ذکرًا * رسولاً يتلوا

علیکم آیات الله ...^۲

خدا بر شما ذکر می نازل کرده است. پیامبری که آیات خدا را برایتان می خواند.

یعنی وجود مبارک حضرت رسول (ص) می شود ذکر؛

چیزی بالاتر از قرآن کریم در جهان خلقت به صورت کتاب در نیامده است. گرچه انسان کامل - رسول گرامی (ص) - در مقام نورانیت با سایر اهل بیت (ع) یک نورند، اما او کسی است که قرآن همراه یا او نازل شده است. بنابراین خدای سبحان وقتی در قرآن از پیام آورش یاد می کند، طرزی سخن می گوید که معلوم می شود قرآن به همراه پیامبر آمده، نه پیامبر به همراه قرآن. از این تعبیر بر می آید که انسان کامل، سمتی دارد که قرآن باید همراه او باشد. و لذا خداوند در قرآن می فرماید:

از پیامبری که فرستادم اطاعت کنید و از نوری که به همراه او نازل کردم کمک بگیرید.^۱

این تعبیر هم نشان می دهد که قرآن به همراه پیامبر است و چون اولین صادر، همین خاندانند که یک نورند، بنابراین قرآن کریم یا در همین حد است یا از این حد، در خلاف آنها نیست. در تلو آنهاست. و «اول ما صدر» [اولین فعلی که از خداوند صادر شد] و «اول ما خلق» [اولین مخلوقی که آفریده شد] هم، نور رسول الله (ص) است. و چون امام صادق (ع) و تمام ائمه (ع) طبق زیارت جامعه، یک نورند، اولین فیض، نور این خاندان است. قرآن در شماع اینها و با اینها است.

اگر چیزی در قرآن باشد که آن، همراه نداشته باشد، و چیزی در انسان کامل باشد که در حوزه قرآن نباشد، این همراهی و مصاحبت نیست. چون منظور از همراهی،



تا نگران بشویم. بتوانیم خودمان را برای رفتن به آنجا آماده کنیم و باید چیزی ببریم که آنجا نباشد تا از ما بخزند. متاعی که آنجا خریدار دارد، فقر، تواضع، فروتنی و... است که آنجا نیست.

رسالت حوزویان و دانشگاهیان... از این فرمایش امام صادق (ع) آشکار می‌شود:

خداوند رحمت کند مردانی را که چراغ و پرچم (نشان) [هدایت] می‌باشند.^۸

این است که چراغ راه مردم باشید؛ زیرا در این صورت شیعه نه تنها خود به بیراهه نمی‌رود، بلکه راه را هم به دیگران نشان می‌دهد، خدای سبحان به رسولش می‌فرماید:

شما را چراغ روشن روشن‌تر قرار دادیم.^۹

امام صادق (ع) همین وصف را برای شیعیانش ذکر کرده که شیعه ما چراغ امت است. منتهی حضرت رسول الله (ص) سراج منیر است برای کل جهان جن و ملک در طول تاریخ. چون انسان کامل معلم همه هست. ما هم که شیعیان او هستیم در حوزه خود، به اندازه هستی‌مان می‌توانیم یک منطقه وسیعی را روشن کنیم. بعد حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

وقتی توانستید برای دیگران سراج منیر باشید، آن وقت فرشتگان با شما مصافحه می‌کنند و در دست‌های شما...



انسان کامل اگر بخواهد به صورت کتاب در بیاید می‌شود. و اگر قرآن را بخواهد به صورت بیان متجلی گردد، می‌شود بر (ص)، امام صادق و سایر ائمه (ع). این یک حقیقت است که گاهی به صورت «ثقل اکبر» و گاهی به صورت «ثقل اصغر» درآمده است.

و بیان دانشگاهیان و قرآن پژوهان...
 ۱۵۷
 رسالت شیعه، ج ۱، ص ۱۹، ج ۱
 شرح فیض الاسلام، خطبه، ۲۳۱، سلونی قبل ان
 من السماء اعلم منی تطرق الارض
 مستشرقان الواسیل، ج ۱۲، ص ۱۵۳؛ حق علی کل
 امر من عمله فی کل یوم و لیلۃ علی نفسه.



قهرأ رسول خدا، ذکر الله است همان طوری که قرآن ذکر الله است.

این که حضرت امیر (ع) فرمود:
 از من پرسید قبل از آن که مرا از دست دهید، همانا من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌تر هستم.^۲

این بیان همه ائمه (ع) است. منتهی همان طور که تشکیل حکومت در نوبت حضرت امیر (ع) ظهور کرد و حضرت توانست آن خطبه‌ها را ارائه کند، تشکیل حوزه فقهی هم در عصر وجود مبارک حضرت امام صادق (ع) ظهور کرد. لذا اگر در عصر ائمه دیگر هم این امکانات فراهم بود، همان بیان نورانی حضرت امیر (ع) و همان تشکیل و تأسیس حوزه علمیه را دیگران هم داشتند. ما که شیعیان وجود مبارک ائمه (ع) هستیم، در قبال تشیع مسئولیت خاصی داریم زیرا امام صادق (ع) می‌فرماید:

بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد، لازم است که در هر شبانه‌روز اعمالش را بر خودش عرضه کند.^۵

بر هر شیعه‌ای لازم و ضروری است که تمام اعمال شبانه‌روزش را ارزیابی کند. اما آن ارزیابی چیست که بتواند به وسیله آن، اعمالش را بسنجد؟ فرمود: آن چیزی که میزان است و می‌تواند ارزیابی باشد، جان شیعه است. بنابراین بیش از هر چیزی باید این ترازو را سالم نگه داریم؛ زیرا در درون ما یک فطرتی نهادینه شده که خدای سبحان ما را با آن ترازو خلق کرده است. باید تلاش و کوشش کنیم به این ترازو آسیبی نرسد. یا اصلاً گرد و غبار [بر آن] ننشیند و اگر خدای نکرده لغزشی هم هست، در بیرون از دروازه این ترازو ظهور کند نه به دل، اما اگر به خود این جان نشست... آن وقت این ترازو و ماشین حساب، می‌شود دست خورده که با آن، محاسبه دقیق ممکن نخواهد بود. این همان است که فرمود:

و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعا.^۶
 یک عده کار بلد می‌کنند ولی باورش‌شان این است که کار خوب می‌کنند.

بررسی، فکر و مطالعه هم می‌کنند، اما چه کنند، ترازو خراب است. این که در بعضی روایات فرمودند:

میان خود و خدا پرده‌ای قرار ده.^۷

همین است که ترازو را سالم نگه بداریم زیرا یک راه مستقیمی باید بین ما و خدایمان باشد که آن را آلوده نکنیم و ننندیم تا اگر اعمالمان را بر جانمان عرضه کردیم، این ترازو پاسخ بدهد که این عمل بستگین است تا خوشحال شویم... یا سبک‌مغز و بی‌مغز [است]